

This file has been cleaned of potential threats.

If you confirm that the file is coming from a trusted source, you can send the following SHA-256 hash value to your admin for the original file.

1ea0ef29f5c64c4193648e82d730d1b8771b519dacf4b2c5c822aa023ba40256

To view the reconstructed contents, please SCROLL DOWN to next page.

انحصار علمی - تعداد فیش : 12 ، تعداد مقاله : 0**بیانات در دیدار اساتید دانشگاهها** 1389/06/14

امروز کشور نیازمند یک جهاد علمی است. البته اینجا که عرض میکنم علم، منظورم معنای عام علم است؛ نه فقط علوم تجربی. ما یک جهاد علمی لازم داریم. من حالا خواهم پرداخت به بعضی از مطالبی که برادران و خواهران بیان کردند و اگر یک نقطه‌نظری باشد، در ذیل بیانات دوستان عرض خواهم کرد؛ اما آنچه که به نظر من جمع‌بندی همه‌ی مسائل است- که بنده خود را متعهد میدانم که آن را، هم بگویم، هم دنبال کنم، هم با دقت و وسواس و دلوپاسی نگاه کنم بینم به کجا رسید- این است که کشور نیاز دارد به جهاد علمی.

ببینید، جهاد یک معنای خاصی دارد. معنای جهاد فقط تلاش نیست. در مفهوم اسلامی، جهاد عبارت است از آن تلاشی که در مقابل یک دشمن است، در مقابل یک خصم است. هر تلاشی جهاد نیست. مجاهدت با نفس، مجاهدت در مقابل شیطان، جهاد در میدان نظامی، مواجهه با یک دشمن است؛ مواجهه با یک معارض است. امروز ما در زمینه‌ی علم نیاز داریم که اینچیز تلاشی در کشور بکنیم؛ احساس کنیم مواعی وجود دارد، باید این موانع را برداریم؛ دارد معارضه‌هایی میشود، باید این معارضه‌ها را در هم بشکنیم؛ در زمینه‌ی عرضه‌ی امکانات علمی، خست‌تهائی از سوی کسانی که صاحبان آن هستند- که کشورهای پیشرفته‌ی علمی است- وجود دارد، باید در مقابل این خست‌تها از خودمان عزت و جوشندگی و فوران از درون نشان بدهیم. امروز دنیا علی‌رغم تظاهر به سخاوت علمی، در نهایت خست علمی است. آن کسانی که بر حسب عوامل گوناگونی توانستند در یک برهه‌ای پیشرفت علمی را صاحب و مالک بشوند و موتور پیشرفت را سوار بشوند و از همه‌ی بشر جلو بزنند- که همین کشورهای پیشرفته‌ی غربی هستند، که تقریباً از دوره‌ی رنسانس به این طرف دست اینها افتاده؛ یک روز هم دست ما بود- اینها انحصارگرند، انحصارطلبند؛ اینها نمیخواهند داتره‌ی این دانش، داتره‌ی این اقتدار توسعه پیدا کند؛ با دانائی ملتها مخالفند؛ بخصوص بعد از آنکه این دانش در دست آنها وسیله‌ای شد برای سیاست. استعمار از علم پدید آمد. علم توانست آنها را قوی کند، مقتدر کند؛ لذا راه افتادند اطراف دنیا، استعمار به وجود آمد؛ و الا ملتها داشتند زندگی خودشان را میکردند. بریتانیا کجا، اندونزی کجا؟ اینها با ابزار علم رفتند آن مناطق را صاحب شدند. خوب، وقتی که استعمار از علم زائیده شد و قدرت بین‌المللی و قدرت سیاسی متکی به علم شد، این علم را در اختیار دیگران نباید بگذارند؛ و الا این قدرت تهدید میشود. و تا امروز همین جور عمل کردند.

بیانات در دیدار نخبگان جوان دانشگاهی 1387/06/05

وقتی استعمار به وجود آمد، سرنوشت آن ملت استعمارزده در دست آن ملت استعمارگر قرار گرفت؛ از این استفاده کردند برای اینکه آنها را در جهالت نگه دارند و تا آنجایی که البته می‌توانستند، مسابقه‌ی علمی را متوقف کردند! این اتفاقی است که افتاده و کاری است که شده. خب، این سوءاستفاده‌ی از علم بود. دنیا تحولات دارد؛ انسانها در یک حدی محدود نمی‌مانند و انسان را نمی‌شود زندانی کرد. بالاخره جوشش استعداد انسانی- چه در زمینه‌ی علمی، چه در زمینه‌ی سیاسی- کار خودش را می‌کند، و حرکت‌های فراوانی از طرف مردم در جاهای مختلف دنیا به وجود آمد. وضع امروز دنیا این است که قدرتهائی که دارای پیشرفت علمی هستند، سعی می‌کنند این پیشرفت را به صورت انحصاری نگه دارند. شماها خوب می‌دانید، بخشهائی از دانش در کشورهای پیشرفته‌ی غربی هست که مطلقاً اجازه‌ی دسترسی به آنها به کسانی خارج از محدوده‌ی خودشان داده نمی‌شود؛ یعنی اختصاصی است. مثل این سندهائی که وقتی کهنه شد، منتشرش می‌کنند؛ دانشی هم که در اختیار آنهاست، وقتی از آن مرحله‌ی اهمیت و درجه‌ی اولی افتاد، آن وقت اجازه می‌دهند دیگری دست پیدا کند؛ آن وقتی که خودشان به یک مرحله‌ی بالاتری رسیده باشند. این‌جوری‌اند و در زمینه‌ی علم، انحصارطلبند.

بیانات در دیدار اساتید و دانشجویان دانشگاه‌های شیراز 1387/02/14

مسیر پیشرفت، مسیر غربی نیست، مسیر منسوخ و برافتاده‌ی اردوگاه شرق قدیم هم نیست. بحرانهائی که در غرب اتفاق افتاده است، همه پیش روی ماست، می‌دانیم که این بحرانها گریبان‌گیر هر کشوری خواهد شد که از آن مسیر حرکت کند. پس ما بایستی مسیر مشخص ایرانی- اسلامی خودمان را در پیش بگیریم و این را با سرعت حرکت کنیم؛ با سرعت مناسب.

بیانات در دیدار جانبازان و ایثارگران و خانواده‌های شهدای استان فارس 1387/02/13

چرا پیشرفت علمی یک ملت و یک کشور، از نظر یک جماعتی در دنیا تهدیدآمیز است؟ چرا؟! چون انحصارطلبند؛ چون سلطه‌طلبند؛ چون ایران را طعمه فرض کرده‌اند. خواستند این کشور را با ذخائر و با موقعیت جغرافیائی ممتاز و برجسته‌اش، یکجا ببلعند. بیداری ملت ایران، بیداری جوان ایرانی و استعداد و درخشندگی پیشرفت علمی جوان ایرانی، نمی‌گذارد. لذا پیشرفت فتاوری شما، انرژی هسته‌ای شما و پیشرفتهای علمی دیگر شما، آنها را عصبانی می‌کند. بله، اگر ملت ایران بی‌خیال و جوان ایرانی بی‌فکر باشد- دنبال علم و دنبال کار و دنبال تولید و دنبال نوآوری نرود و همین‌طور به عیش و عشرت بگذراند- آنها خوشحال می‌شوند. آنها این را می‌خواهند؛ آنها نمی‌خواهند شهر شیراز، یک مرکزی باشد که در آن پیشرفت علمی هست- که من گفتم شیراز شما، از لحاظ پیشرفت صنعتی در خط مقدم شهرها و استانهای کشور قرار دارد و در بعضی از رشته‌های علمی، جوانها و مردان و زنان شما در دنیا آوازه پیدا کرده‌اند- آنها این را نمی‌خواهند. آنها نمی‌خواهند که دانشگاه ما، حوزه‌ی علمیه‌ی ما، آزمایشگاه ما و محیط تولید ما، پررنگ باشد. آنها دلشان می‌خواهد اختلاط دختر و پسر و آمیزش‌های شهوانی و غفلت و عشرت و این‌ها، بر زندگی مردم غلبه پیدا کند؛ آنها این را می‌خواهند. شما عکس این را عمل کردید؛ علت عصبانیت امریکا و صهیونیستها و این همه تبلیغات این است.

بیانات در دیدار مردم شیراز 1387/02/11

امروز دنیا غرب بیش از دیگران درگیر مشکلات اقتصادی است. خودشان اعلام می‌کنند بحران اقتصادی‌ای که امروز از امریکا شروع شده است و بتدریج دارد گریبان اروپا را هم می‌گیرد و به بعضی از کشورهای دیگر هم سرایت می‌کند، در شصت سال گذشته- یعنی از بعد از جنگ بین‌الملل اول تا امروز- سابقه نداشته است. سازمان ملل در دنیا اعلام بحران غذایی کرده است. ملت ایران به فضل پروردگار و به لطف الهی مشکلاتش از بسیاری از همین کشورهای مدعی کمتر است و با همت مسئولین و همت مردم، باید بتوانند همین مشکلاتی را هم که وجود دارد، برطرف کنند؛ این همت همه را می‌طلبد.

بیانات در دیدار مردم بزد 1386/10/12

امروز خلأ بزرگ دنیای لیبرال دموکراسی غرب همین است. کارخانه‌ها را زیاد کردند، چرخهای گردنده را زیاد کردند، دامنه‌ی علم را گسترش دادند؛ اما عدالت اجتماعی را نتوانستند تأمین کنند. اخلاق انسانی به انحطاط کشیده شده؛ این حرفی نیست که من اینجا بگویم. مگر می‌شود در یک تریبون و منبر جهانی، که امروز این حرفها در دنیا منعکس می‌شود، چیزی برخلاف آنچه که احساس مردم آن کشورهاست، بر زبان آورد؛ حرفی است که خودشان می‌زنند. امروز بحران اخلاقی گریبان‌گیر لیبرال دموکراسی غرب است. امروز بحران جنسی، بحران اقتصادی، بحران اخلاقی، بحران خانوادگی، گرفتاریهای همان کشورهائی است که از لحاظ علمی چشم تاریخ را خیره کردند از پیشرفتهای خودشان. بشر سعادت‌مندی‌اش به این نیست که دانش او پیشرفت کند- دانش ابزار سعادت است- سعادت بشر به آسایش فکر است، به آسایش روح است، به زندگی بی‌دغدغه است، به زندگی همراه با امنیت اخلاقی و معنوی و مادی است. به احساس عدالت در جامعه است. این را غرب ندارد؛ نه اینکه ندارد، روز به روز هم از او دارد دورتر می‌شود. ما این را برای نشان دادن به دنیا به عنوان آرمان خودمان ترسیم کردیم؛ ما نکردیم، خدا کرد. ملت ایران به اقتضای ایمان خود به این راه، دنبال این راه

در غوغای جنگ‌ها و اختلاف‌های جغرافیایی و سیاسی عالم، این‌طور پیش آمد که در برهه‌ی اخیر، غرب- یعنی اروپا- زودتر به علم جدید رسید. این، دلیل این هم نبود و نیست که اروپایی‌ها ذهنشان از شرقی‌ها بهتر کار می‌کند؛ دلیل این هم نیست که قابلیت‌هایی در آن ملتها و آن کشورها وجود دارد که در این طرف از لحاظ اقلیمی و دیگر زمینه‌ها وجود ندارد؛ نه، هیچ چنین چیزهایی را نشان نمی‌دهد؛ این یک اتفاق بود که افتاد. یک روز هم شرق از لحاظ علمی جلوتر بود و غرب در تاریکی جهل غوطه‌ور بود؛ این دوره‌ها را هم در تاریخ داشتیم. کاری که در این برهه‌ی از زمان، یعنی از دوران حرکت جدید علمی بشریت که در غرب انجام شد، اتفاق افتاد- که شاید در گذشته احتمالاً سابقه نداشته- این است که این‌ها سعی کردند علم را انحصاری کنند؛ سعی کردند این وسیله‌ی پیشرفت و سیادت را برای خودشان نگه دارند و از آن حد اکثر استفاده را برای به دست آوردن سیادت سیاسی و اقتصادی ببرند. در طول تاریخ بشریت که علم و تمدن دست به دست گشته، ما چنین چیزی را سراغ نداریم.

یکی از کارهایی که نسبت به کشورهای تحت ستم استعمار انجام گرفت، این بود که این‌ها را در عقب‌ماندگی علمی نگه داشتند؛ هم عملاً مانع پیشرفت این‌ها شدند، هم روحاً این‌ها را تضعیف کردند تا احساس کنند قادر نیستند. این برای ملت ما در یک دوره‌ی طولانی پیش آمد؛ ما را از پیشرفت بازداشتند. نمی‌گوییم این کار تماماً به وسیله‌ی پیشروان علم انجام گرفته و قدرتهای داخلی و سیاستهای دیکتاتوری و مستبدانه‌ی داخلی یا سوء اداره‌ی دولتها تأثیری نداشته؛ این بخش قضیه را منکر نیستیم؛ اما آن بخش هم مهم‌ترین تأثیر را گذاشت. در دوران قاجاریه، سوء سیاست، بدفهمی، مال‌دوستی و تنبلی مهم‌ترین شخصیت‌های مؤثر، در وضع کشور تأثیر می‌گذاشت؛ اما وقتی در همین دوره هم کسی مثل امیرکبیر به وجود می‌آید و نقش پیشرفت علمی و تأثیر علم در پیشرفت را در سطوح سیاسیون به‌درستی کشف می‌کند، نقش عامل دوم- که عامل خارجی است- خودش را به‌روشنی نشان می‌دهد؛ سعی می‌کنند این شعله را بخوابانند. این نشان‌دهنده‌ی این است که آن‌ها توجه دارند که اگر بخواهند کشوری را تحت سیطره‌ی اقتصادی و سیاسی نگه دارند، راهش این است که نگذارند از لحاظ علمی پیشرفت کند. عین همین قضیه در طول دوران حکومت پهلوی هم وجود داشته. این‌ها مسائلی است که تحلیل و تبیین آن‌ها جزو کارهای طولانی است. البته این کارها شده؛ این‌ها دعوی محض نیست؛ استدلال‌هایی پشت سرش وجود دارد.

امروز کشور ما خوشبختانه دوره‌ی را می‌گذرانیم که دو آگاهی در آن هست؛ یکی آگاهی به توانایی و استعداد ذاتی خود؛ دوم آگاهی به اینکه قدرتهای در پی سیطره‌ی بر کشور ما و بر کشورهای نظیر ما، مهم‌ترین معارض دانشمند شدن و پیشرفت علمی کشور ما هستند. یعنی آگاهی به معنای خودشناسی، و آگاهی به معنای دشمن‌شناسی و توطئه‌شناسی. به برکت این دو آگاهی، این امید وجود دارد که ما بتوانیم به پیشرفتهای عظیم علمی نایل شویم. اخیراً در یکی از مطبوعات داخلی مطلبی را دیدیم که از یک مؤسسه‌ی آماری مهم در آمریکا راجع به ایرانیان مقیم آمریکا- یا به قول آن‌ها، آمریکایی‌های ایرانی‌تبار- نوشته بود که سطح معلومات و سطح پیشرفت علمی این‌ها چند برابر متوسط مردم امریکاست. این، چیز خیلی مهمی است. ما در داخل کشور همین را داریم مشاهده می‌کنیم. هیچ بُعدی هم ندارد که کسانی که بخصوص روی ایران تلاش خصمانه کردند و سعی کردند حرکت علمی را در این کشور دچار مشکل کنند، به این استعداد وافر و جوشان ایرانی واقف بودند؛ می‌دانستند که اگر عنصر ایرانی وارد میدان علم شود، علم از انحصار خارج خواهد شد.

بیانات در دیدار جمعی از مداحان 1384/05/05

همه تحت تأثیر مادران هستند. آنکه بهشتی می‌شود، پایه‌ی بهشتی شدنش از مادر است؛ که «الجنة تحت اقدام الأمهات». البته نقش زن به عنوان همسر هم داستان بسیار طولانی دیگری است. دنیایی که زن را از داخل خانواده جدا می‌کند و با وعده‌های توهم‌آمیز بیرون می‌کشد و او را در مقابل نگاه و حرکت هرزه‌ی جامعه، بی‌پناه و بی‌دفاع می‌کند و میدان را برای تعرض به حقوق او باز می‌کند، هم زن را تضعیف می‌کند، هم خانواده را نابود می‌کند، هم نسل‌های آینده را به خطر می‌اندازد. هر تمدن و هر فرهنگی که این منطق را داشته باشد، دارد فاجعه ایجاد می‌کند؛ و این امروز در دنیا اتفاق افتاده است و روز به روز هم دارد بیشتر می‌شود. و به شما عرض کنم؛ این از آن سیل‌های خطرناکی است که آثار تخریبی آن در بلندمدت ظاهر می‌شود و بنای تمدن غرب را در هم خواهد کوبید و فروخواهد ریخت. در کوتاه مدت چیزی فهمیده نمی‌شود؛ این‌ها چیزهایی است که صدساله و دویست‌ساله خودش را نشان می‌دهد؛ و نشانه‌های این بحران‌های اخلاقی در غرب الآن دارد بروز می‌کند.

بیانات در دیدار جمعی از مسئولان جهاد دانشگاهی 1383/04/01

ما در دوران قبل از انقلاب سالهای متمادی از علم دور ماندیم. یک دوره، دوره‌ی خواب و غفلت مطلق بود؛ یک دوره هم که بیداری و آگاهی به‌طور طبیعی در بین ملتها به وجود آمد، دوره‌ی فریب بود. نمی‌گذاشتند علم به معنای واقعی کلمه وارد کشور شود؛ سرگرم می‌کردند و راه تحقیق را باز نمی‌کردند؛ استعدادهای پرورش نمی‌دادند و تشویق نمی‌کردند. انقلاب آمد این دیوارها و این مرزها و این محدودیتها را برداشت و خودآگاهی علمی به وجود آمد؛ اما این حرکت بدون مدیریت، بدون حرکت و بدون عزم و اراده به جایی نخواهد رسید. همه‌ی کارها، از جمله مسأله‌ی تحقیق و علم، مدیریت سازمان یافته لازم دارد؛ لذا بایستی این کار را پیش برد. البته بخشی از این کار مربوط به مسئولان دولتی است و بخشی مسئولیت دانشگاه‌ها و بخش دیگر مربوط به مسئولیت مراکز علمی است. و شما به‌عنوان جهاد دانشگاهی جزو بهترین مراکز هستی که می‌توانید در این مسئله اهتمام بورزید و احساس مسئولیت کنید؛ که البته می‌کنید. خوشبختانه من شاهد می‌بینم که پیشرفت شما در کار علم خیلی خوب بوده؛ دنبال کنید.

بیانات در دیدار جمعی از اساتید دانشگاه‌ها 1382/08/08

بر اثر شرایط سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و مسأله‌ی استعمار- که نقش استعمار در مطلبی که مورد نظر من است، بسیار زیاد است- بخشی از دنیا زودتر از یک بخش دیگر و به کمک وسیله‌ی شتابنده‌ی به سمت قلّه‌های علمی حرکت کرد. این بخش از این وسیله‌ی شتابنده استفاده کرد و به جلو رفت و این وسیله را روز به روز شتابنده‌تر و تواناتر کرد و با بالا بردن کاربری آن، به دستاوردهای علم رسید؛ درحالی‌که ما با همه‌ی پیشرفت علمی، محاط به جهالت‌های فراوانیم. ساکنان آن بخش از دنیا، پیشرفتهای علمی شگفت‌آوری کردند و بعد هم سیاست کلی‌شان این شد که علم را در اختیار خودشان بگیرند و اجازه ندهند که کشورهای دیگر که عقب مانده‌اند، به آن‌ها برسند و یا از آن‌ها جلو بزنند! حتماً شما از محدودیت‌هایی که برای برخی از فناوری‌های پیشرفته وجود دارد که مطلقاً ناپیوستگی به هیچ نقطه‌ای از نقاط دنیا درز پیدا کند، مطالب زیادی شنیده‌اید.

استعمار، هم در پیشرفت علمی یک بخش از دنیا نقش داشت و هم توانایی‌اش بر استعمار، ناشی از میزان پیشرفت علمی‌اش بود که از آن پیشرفت، استفاده‌ی سیاسی کرد. مانند انگلیس که از کشتی بخار برای استعمار هند استفاده نمود و استعمار هند کمک کرد که کشتی بخار به کشتیهای پیشرفته‌تری تبدیل شود و تسلط بر هند و نقاط دیگر را نیز بیشتر کند. به این ترتیب، علمی که محدود و محصور به خودشان بود، در خدمت استعمار قرار گرفت و استعمار در خدمت علم!

بیانات در دانشگاه تربیت مدرس 1377/06/12

در غرب، حدّ آزادی را منافع مادّی تشکیل می‌دهد. ابتدا برای آزادیهای اجتماعی و فردی، محدودیت‌هایی را معین کردند؛ این یکی از آنهاست. آن وقتی که منافع مادّی به خطر بیفتد، آزادی را محدود می‌کنند. منافع مادّی، مثل عظمت این کشورها و سلطه‌ی علمی این کشورها. تعلیم و تربیت، یکی از مقولاتی است که آزادی در آن، جزو مسلم‌ترین حقوق انسان‌هاست. انسانها حق دارند یاد بگیرند؛ اما همین «آزادی» در دانشگاه‌های بزرگ دنیای غربی محدود می‌شود؛ دانش و فناوری والا به قول خودشان CET HGIH قابل انتقال نیست؛ انتقال فناوری به کشورهای معینی ممنوع است؛ چرا؟ چون اگر این دانش و این علم انتقال داده شد، از انحصار این قدرت خارج شده است و این قدرت مادّی و این سلطه، به حال خود باقی نخواهد ماند. آزادی مرز پیدا می‌کند؛ یعنی استاد حق ندارد که فرضاً به شاگرد کشور جهان سومی شاگرد ایرانی، یا دانش‌پژوه چینی فلان راز علمی را بیاموزد!

بیانات در دیدار کارگزاران نظام 1372/10/20

وسایل ارتباط جمعی استیکار تلاش می‌کنند که جمهوری اسلامی را متعزّض، متجاوز و در صدد قلع‌وقمع همه نظام‌های دنیا معرفی کنند. اما این‌گونه نیست. هرکس در دنیا،

هرطور می‌خواهد، زندگی می‌کند. ما فقط آنچه را که بشر به آن نیازمند است عرضه می‌کنیم. امیر المؤمنین علیه الصّلاة و السّلام فرمود: «طیب دَوّار بطّه قد احکم مراحمه و أحمی مواسمه.» در کوله‌پشتی ما دواهای درمان دردهای امروز بشریت است. هر که نمی‌خواهد از این کوله‌پشتی نگیرد و نبرد. ما که با کسی دعوا نداریم. اگر بشر از بحران هویت رنج می‌برد، از بحران معنویت رنج می‌برد، از بی‌احترامی نسبت به سنت‌های بشری رنج می‌برد؛ پدر به پسر رحم نمی‌کند، پسر به پدر احترام نمی‌کند، پاس سنت‌های گذشته را نمی‌دارند، ارزشی برای ارزش‌های غیر شخصی قائل نیستند، این یک بحران است. امروز ملت‌های غرب به این بحران دچارند؛ و علاجش در اسلام است. اگر امروز ثروت ثروتمندان در دنیا روز به روز افزایش می‌یابد و اشخاص و کمپانی‌ها و شرکت‌هایی، ثروت‌های افسانه‌ای میلیاردی تحصیل می‌کنند، و در مقابل، انسان‌هایی در کنار همان ثروت‌ها، شب در کارتون، روی آسفالت خیابان می‌خوابند؛ این‌ها از مشکلات غرب است. اگر با وجود هزاران توصیه راجع به ازدواج و تبلیغات خانواده و نظایر آن، روز به روز بنیان خانواده در کشورهای غربی سست‌تر می‌شود؛ اگر دخترها و پسرها ناراحتند؛ اگر همان‌هایی که خودشان شریک این جرمند ناراحتند؛ اگر بنیان خانواده متزلزل است و بچه‌ها ناراحتند؛ اگر بحران روانی همه را فراگرفته است، این‌ها به خاطر چیست؟ این همه خودکشی برای چیست؟ در طول همین چند ماه گذشته، یا شاید حدود یک سال گذشته، چند صد نفر در کشور ایالات متحده که به خیال خودشان در اوج قلّه علم و ثروتند؛ و خیال می‌کنند ارزش این‌هاست به وسیله اشخاص دیگر کشته شده‌اند. حالا با هلیکوپتر در بیابانها بگردند برای تظاهر به محبت و رأفت و رحمت نسبت به گربه یا سگ گمشده‌ای! مگر کورند؟! مگر نمی‌بینند که در شهرها و ایالات امریکا چه خبر است؟! یک نفر وارد کویه یک قطار می‌شود و با مسلسل، چند نفر را می‌کشد. از این کویه می‌آید و باز در کویه بعدی، چند نفر دیگر را می‌کشد. و همین‌طور ... اگر بشریت از این دردهای لاعلاج رنج می‌برد، ما می‌گوییم: علاجش اینجاست؛ علاجش اسلام است. این است تجدید بعثت در دنیای امروز. و امروز شما پیش‌قراولید. ملت ایران پیش‌قراول است. باید عمل کند و با اعتماد و اتکا به نفس هم باید این عمل را بکند؛ چون دنیا محتاج ماست.

